

بررسی باستان شناختی استقرار های پیش ایلامی در دشت های

حاشیه غرب زاگرس دکتر حبیب اله محمودیان^۱

چکیده

بخش غربی زاگرس به دلیل شرایط و موقعیت مطلوب جغرافیایی از دیر باز سکونتگاه انسان‌ها و مهد تمدن و فرهنگ بوده است. دره‌های کوهستانی، دشت‌های میان کوهی، غارهای طبیعی، جنگل‌های انبوه، دامنه‌ها، زمین‌های حاصلخیز، رودهای مهم و پرآب موجب شده تا شرایط برای استقرار و زندگی انسان‌ها فراهم شود. تعدد و تنوع آثار و ابنیه و محوطه‌های باستانی در این محدوده جغرافیایی و مطالعه شواهد و شناسه‌های فرهنگی برجای مانده از دوران استقرار، روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه حدود هشت هزارسال پیش از میلاد از دو گونه گیاهی (گندم و جو) و نیز، دو نوع دام (میش و بز) استفاده کرده است. این شرایط نشان می‌دهد در این گستره سرزمینی که تمدن و فرهنگ ایلامی شکل گرفته، استقرارهای ما قبل ایلامی‌ها وجود داشته است. بر اساس بررسی‌های تاریخی و باستان شناسی ایلامی‌ها از اواخر هزاره چهارم یا اوایل هزاره سوم قبل از میلاد در منطقه جنوب غرب ایران حکومت کرده‌اند. حدود ۲۵ قرن سلسله‌های معروف ایلام (اوان، سیماش، اپارت، ایکهالکی، شوتروک-ها و ایلام نو) ضمن تشکیل سلسله‌های حکومتی، حافظ تمدن و فرهنگ ایران زمین بوده‌اند. کاوش‌های باستان شناسی نشان می‌دهد علاوه بر تحولات سیاسی و نظامی ایلام با تمدن‌های همجوار، پیشرفت‌هایی در عرصه‌های مختلف تمدنی داشته‌اند. در این مقاله این هدف دنبال شده تا براساس یافته‌های باستان شناسی، بخشی از مکان‌های استقرار دوره پیش ایلامی در دشت‌های حاشیه ای زاگرس غربی معرفی گردد.

واژگان کلیدی: سیمره، چگا آهوان، پرچینه، میمه، دهلران، چگا گلان، سرنی.

^۱ - دانش آموخته دکتری باستان شناسی پیش از تاریخ ایران

تحولات دوران سنگ در زاگرس غربی

بررسی اسناد ویافته های باستان شناسی نشان می دهد دشت های حاشیه غرب زاگرس و مشرف برسرزمین میان رودان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، دارای استقرار گسترده بوده است. مطالعه ابزار وادوات سنگی متعلق به عصر سنگ در این منطقه از جهات مختلف دارای اهمیت می باشد. چون در این دوران، انسان از «سنگ» به عنوان ابزار و وسایل روزمره زندگی استفاده کرده است. ازاین رو، به نام دوران سنگ(عصر حجر) معروف شده است. ازجهتی عصر سنگ به دلیل طولانی بودن به دوره های دیگری چون: دوران پارینه سنگی یا پالئولیتیک، دوران میانه سنگی و دوران نو سنگی تقسیم شده است.

دوران پارینه سنگی یا پالئولیتیک^۲ قدیمی ترین دوران پیش از تاریخ است که انسان برای نخستین بار از ابزار سنگی دست ساز استفاده کرد. در این دوران انسان ها موفق شده اند گروه های نسبتاً کوچکی تشکیل دهند و به گردآوری غذا(گیاهان، ماهی گیری و شکار) پردازند. دوران میانه سنگی دوره ای از عصر سنگ است که در حد فاصل دوره های پارینه سنگی و نوسنگی قرار گرفته است. ایجاد سکونتگاه در این دوران موقتی بوده است. یافته ها نشان می دهد که فنون ابزارسازی سنگی نسبت به پارینه سنگی پیشرفت داشته است. در دوره میان سنگی انسان با امکان ذخیره مواد غذایی گیاهی و جانوری آشنا می شود. سه عامل: اهلی کردن حیوانات، آغاز کشاورزی و آماده سازی غذا باعث شده انسان به زمین و سرزمین وابستگی و تعلق خاطر پیدا کند و به مرحله یکجانشینی برسد(ملک شه میرزادی، ۱۳۸۲: ۹۳).

در حقیقت، نوسنگی به معنای دورانی است که پایان آن استقرار کامل در روستاها و آغاز شهر نشینی بوده است. آثار این دوره در غارها و پناهگاه‌های سنگی شناسایی شده‌اند. در این دوره، انسان علاوه بر تولید بخش مهمی از نیازهای غذایی، موفق شد با ایجاد سرپناه‌های ساده در معماری، قابلیت‌های فرهنگی خود را ظاهر سازد و با ایجاد روستاهای کوچک و موقت، روستاهای دائمی را پدید آورد که مقدمه‌ای بر شهر نشینی محسوب می‌گردد.

در درهٔ هلیلان واقع در استان ایلام، باستان شناسان موفق به شناسایی چگونگی بقایای نخستین مرحله استقرار موقت در «تپهٔ گوران» شده‌اند که می‌توان آن را پیشینه‌ای بر زندگی کوچ روی تصور کرد. باستان شناسان در مورد ابزارهای به دست آمده از دوران سنگ اطلاعاتی ارائه نموده‌اند. فرانک‌هول و فلائری غارهای کنجی، پناهگاه سنگی و... در منطقهٔ لرستان را بررسی کرده و اطلاعاتی مربوط به عصر پارینه سنگی را ارائه نموده‌اند. در برخی نواحی زاگرس، آثار مربوط به دورهٔ پارینه سنگی میانه به دست آمده است. کشف تبر سنگی مکشوفه از تپهٔ چگا آهوان مهران واقع در استان ایلام از دورهٔ پارینه سنگی جدید و دیگر آثار از جمله: سنگ، استخوان، شاخ و عاج از محوطه‌های باستانی دلیلی بر این ادعاست. تیغه‌های سنگی در اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف نیز، از مکان‌ها و محوطه‌های باستانی غرب زاگرس متعلق به دوران سنگ کشف گردیده و مورد مطالعهٔ پژوهشگران قرار گرفته است.

اولین طلیعه حیات انسانی در غرب فلات ایران

علی محمد خلیلیان در مقاله‌ای «ایلام در گستره تاریخ» به موقعیت پیش از تاریخ منطقه اشاره داشته و نوشته است: «کشور ایران از جمله سرزمین‌های آسیائی است که به لحاظ دیرین شناسی، اولین طلیعه حیات انسانی و امکان استقرار بشری را در اقلیم

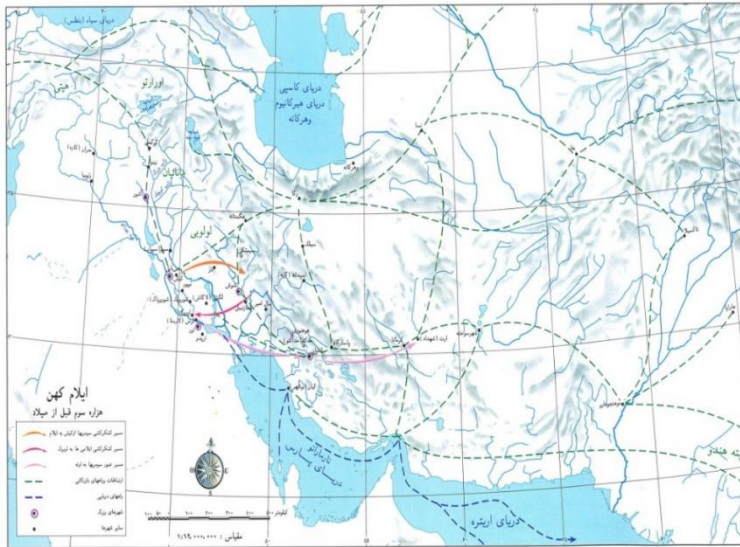
پهناور خود به ودیعه دارد» (خلیلیان، ۱۳۷۹، شماره ۳ و ۴، پاییز وزمستان (۶۲-۶۷)) او در ادامه مقاله خود نوشته است: «تحقیقات و کشفیات علمی، حضور انسان را با شرایط فیزیکی و جسمی موجود لااقل از مرز صد هزار سال پیش دوره پالئولیتیک میانه (عصر-حجر قدیم) در عرصه زمین تأیید می نماید و ایران از چنین موقعیت ممتازی برخوردار است. قطعاً کشوری که از کرانه های سوزان خلیج فارس تا سواحل مرطوب دریای خزر دارای شرایط اکولوژیکی و بیولوژیکی با اختلاف حدود چهل درجه دما در یک زمان واحد می باشد، می بایست از معدود ممالک و سرزمین های باستانی جهان باشد که به قول ایران شناس معروف فرانسوی «رنه گروسه» در مقاله ای تحت عنوان ایران و نقش تاریخی آن «جغرافیای پیش مبین تاریخش می باشد». اگر بپذیریم که در هر حوزه فرهنگی تاثیرات محیط در پرورش انسان و سازش انسان با محیط طبیعی اطرافش یک امر اجتناب ناپذیر است، قهراً در هر بوم که مشترکات اقلیمی و آب و هوایی و بیولوژیکی دارد، گروهی از انسان ها با شیوه و روش های مشابهی آغازین روز حیات خود را براساس طبیعی و محیطی اطراف پشت سرگذاشته اند». او در رابطه با موقعیت جغرافیایی منطقه و تأثیر پدیده های جغرافیایی در فرایند استقرار انسان از قدیم الایام تا دوران اخیر این چنین شرایط را ترسیم نموده و ادامه می دهد: «غرب ایران با وجود چین خوردگی های سلسله جبال زاگرس و دره هایی که با شیب ملایم و شیارهای موازی فلات مرکزی را از جلگه رسوبی بین النهرین در غرب مجزا می نماید، در عین حال رابطی ثابت و ناقلی متحرک برای مبادله و مراوده ارزش های فرهنگی انسان های نخستین و جوامع مجاور خود بوده و عمدتاً این نقش تاریخی زمانی که دامنه های ملایم امکان استقرار و یکجانشینی را به مردمانش داده است بیش از هر زمانی

رسوب تمدن‌های کهن را در دل خود جا داده و آثار ارزشمندی را در قالب ظاهر فرهنگ مادی و اتلال و تپه‌ها و محوطه‌های باستانی بر جای گذارده است».

دوران گذار از دیرینه سنگی، پارینه سنگی

علی‌زاده در همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام (۱۳۸۲) طی ایراد سخنانی اظهار داشته است: «چغاگلان بین مهران و صالح آباد واقع شده است. در این سایت باستانی ما حفاری نکرده‌ایم؛ ولی رفتیم و دیدیم که سفال کم دارد، ابزار تیغی که مطالعه کردیم، متعلق به دوران گذار از دیرینه سنگی، پارینه سنگی به نوسنگی است. در این مقطع، کشاورزی و دامداری شکل گرفته است. باید توجه داشت که گوسفند، بز، گندم و جو اهلی این منطقه هستند. در واقع، در کوهستان‌های زاگرس رشد کرده و به صورت طبیعی یافت شده‌اند و تمام فرهنگ‌های دوره نوسنگی که در کوه زاگرس ایران شکل گرفته، شالوده‌اش بر پایه بز، گوسفند، گندم و جو است» (همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، ۱۳۸۲).

صادق ملک شهمیرزادی آثار پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها را به مناطق طبیعی- فرهنگی مختلفی تقسیم‌بندی نموده است که در قالب دوران جمع‌آوری غذا، گردآوری غذا، استقرار موقت و فصلی و دوران استقرار کامل در روستاها مشخص شده‌اند (همان: ۸۱). بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر مکان‌های استقرار متعلق به دوران پیش ایلامی است. در نقشه زیر مکانهای استقرار پیش ایلامی ملاحظه می‌شود.



ایران در دوره پروتو ایلامی

اهلی کردن دانه‌ها و جانوران

بررسی‌های باستان شناسی در سایت‌های باستانی واقع در حاشیه غربی ارتفاعات زاگرس نشان می‌دهد انسان موفق شده برخی دانه‌های کشاورزی را برای تأمین غذای مورد نیاز حیوانات مورد نظر خود را اهلی نماید. علیرزاده در بخش دیگری از سخنان خود در همایش مذکور گفته است: اگر بخواهیم دنبال شرایط اولیه اهلی کردن دانه‌ها و جانوران برویم، باید جایی برویم که اینها در آنجا اهلی شده‌اند. البته، صیادان و گردآورندگان غذا در خاور نزدیک و در ایران شاید بیش از یک میلیون سال از این مواد استفاده می‌کرده‌اند؛ ولی در مقطعی بین هفت هزار تا هشت هزار سال پیش از میلاد شرایطی پیش آمده که مجبور شده‌اند به زندگی یکجانشینی تن بدهند. کسانی که کشاورزی می‌کنند، می‌دانند چه کار کمرشکن و شاقی است. دامداری هم کار

ساده‌ای نیست. بنابراین، هیچ کدام از کشاورزان اولیه به دلخواه خود کشاورزی را اقتباس نکرده‌اند؛ بلکه به ناچار این کار را کرده‌اند. فکر کنید با آن ابزار بسیار ابتدایی و کمرشکن بدون گاو، اسب، تراکتور و...، اینها مجبور بوده‌اند با یک تیغه سنگی زمین را آماده شخم کنند. این کار بسیار کمرشکن است. بیشتر اسکلت‌هایی که از دوران نولتیک درمی‌آوریم، آرتروز دارند. مردان آرتروز کمر و زنان آرتروز زانو دارند؛ زیرا زانو را روی زمین گذاشته و روی قطعه سنگ‌های بزرگ کار ساییدن و آرد کردن را ساعت‌ها، روزها و سال‌ها انجام می‌داده‌اند. بنابراین، می‌توانید تصور کنید که چه زندگی سختی داشته‌اند (علیزاده، ۱۳۸۲: همایش).

از کوچ نشینی و شکار به یکجانشینی و دامداری

علیزاده (۱۳۸۲) در ادامه سخنان باستان شناسی ایلام را بسیار با اهمیت دانست و بیان کرد: «حالا چرا ایلام اینقدر مهم است؟ با توجه به تجربه‌ای که از کوهستان‌های ایران، عراق و ترکیه داریم، موادی به ویژه تیغه‌هایی که در چغاگلان وجود دارد، تیغه‌هایی قدیمی‌تر از اوایل هزاره هشتم هستند. وقتی این اندازه قدمت دارند، این شانس هست موادی پیدا کنیم که در رابطه با دوران گذار (زندگی کوچ نشینی به - یکجانشینی و دامداری) باشد. البته، می‌دانید زندگی یکجانشینی مشکلات زیادی دارد؛ ولی منافع زیادی هم دارد. بدون زندگی یکجانشینی جمعیت نمی‌تواند رشد کند و به وجود بیاید» (همان).

توالی فرهنگی از کوچ نشینی به یکجانشینی

بررسی شناسه‌ها و شواهد فرهنگی سایت باستانی چگاآهوان اطلاعاتی ارایه داده که می‌تواند توالی فرهنگی از کوچ نشینی به یکجانشینی را نشان دهد. علیزاده به این مسأله اشاره کرده و گفته است: «اهمیت این استان در این است که دو سایت دارد که

می‌تواند توالی فرهنگی را از کوچ نشینی به یکجانشینی و رشد اینها در دهکده‌ها و سرانجام شکل گیری حکومت‌های اولیه نشان دهد. این دو سایت از بزرگ‌ترین اقداماتی بودند که جوامع انسانی در دنیا انجام دادند. بدون گندم، جو، گوسفند، بز و بدون دهکده و حکومت‌های اولیه، ما اصلاً اینجا نبودیم. اینها شالوده‌ای است که ریخته شده و من فکر می‌کنم شالوده این تمدن حداقل در ایلام ریخته شده است. بنابراین، استان ایلام از هزاره سوم به بعد محل تاخت و تاز انواع و اقسام قوای مختلف بوده است.

هلال حاصلخیز

علی زاده (۱۳۸۲) در سخنان خود به مزرعه وحشی گندم در کوه‌های زاگرس و نواحی کوهستانی شمال بین‌النهرین اشاره داشته و گفته است: «خطی که اینجا هست و بعدها اسمش را هلال حاصلخیز گذاشته‌اند، جایی است که گندم، جو، بز و گوسفند به صورت وحشی دیده می‌شود. در این مکان‌ها اولین دهکده‌های ابتدایی و بعدها شهرنشینی و تمدن رشد کرد و پس از آن هم به جاهای دیگر تسری یافته است. دکتر علی زاده به ابزارهای مکشوفه در چغاگلان اشاره کرده و گفته است: اندازه این ابزارها ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر بیشتر نیست، اینها خیش‌هایی بوده که آن موقع با آن زمین را می‌کنده‌اند. می‌توانید حدس بزنید که چه کار کمرشکن و مشکلی بوده است. خم می‌شده‌اند و با دست زمین سفت را می‌کنده‌اند. البته، بیشتر این ابزارها بعدها هم ادامه پیدا کرده؛ ولی اولین ابزارهای کشاورزی از نوع ابزارهایی بوده که در چغاگلان چند نمونه از آن بدست آمده است.



هلال سبز و تمدن های خاورمیانه

منطقه زاگرس بخشی از ناهمواری های هلال حاصلخیز (هلال سبز) است که به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، شکل دهنده بسیاری از تمدن های غرب آسیاست. بخش عمده ای از تمدن های پیش از تاریخ ایران در کوهستان زاگرس، دشت های میانکوهی و دشت های حاشیه ای کوهستان زاگرس ایجاد شده اند. از این رو، شرایط برای شکل گیری تمدن ها و ارتباط با اقوام و فرهنگ ها در این سرزمین وجود داشته است. جلگه های آبرفتی، سرزمین های مناسب و دشت های حاصلخیز به نوبه خود استعداد شکل گیری و توسعه رو به رشد استقرار بشر در غرب کشور بیش از مناطق شرقی فراهم نموده و مردمان این بخش از سرزمین ایران امکان یک جانشینی و تشکیل دهکده های اولیه و مآلاً آشنائی با امر کشاورزی و تولید و کشت آبی غلات و پرورش و اهلی نمودن حیواناتی نظیر بز و گوسفند و اسب و گاو که هر کدام به نوبه خود در روند تحرک حیات انسانی و پیشرفت فیزیکی و فنی جوامع اولیه و ورود به دوران های بعدی نظیر نظام شهری گری نقش مؤثر و عمومی داشته اند به دست آورده اند.

بهره گیری از فلز

استفاده از فلز و ذوب آن، تحولی عمده در تمدن و فرهنگ بشر به شمار می‌رود. هر چند زمان دقیق بهره‌گیری از فلز مشخص نشده؛ ولی به دلیل وجود برخی عناصر فلزی در طبیعت استفاده محدود از فلزاتی چون مس، طلا و نقره در دوران پیش از تاریخ رواج داشته است (محمودیان، ۱۳۹۱: ۹۱). از فلزات دیگری که بعد از طلا و مس مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان به برنز(مفرغ) و آهن اشاره نمود که در قالب عصر برنز(مفرغ) و عصر آهن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. انواع مختلفی از ابزارهای جنگی، زیورآلات، مجسمه، ظروف فلزی و... از جنس برنز در گورهای باستانی مناطق مختلف کشور خصوصاً غرب زاگرس به دست آمده است (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۱). «واندنبرگ» برخی از نواحی غرب کشور از جمله منطقه عمومی ایلام و لرستان را در دهه ۱۹۶۰ مورد بررسی قرار داده و به آثار متعددی از فلز مفرغ دست یافته است که در تاریخ باستان شناسی به نام برنز لرستان معروف است.

استقرارهای پیش ایلامی در غرب ایران

براساس اظهار نظر باستان شناسان تمدن ایلام باستان در جنوب و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است. بنابر گزارش باستان شناسان، بخشی از ایلام باستان در دشت‌های حاشیه ای غرب زاگرس در محدوده استان ایلام (مهران، دهلران) واقع شده است. تپه‌های موسیان و علی‌کش در دهلران، چگا آهوان در مهران و ده‌ها منطقه و محوطه دیگر در نوار مرزی استان با کشور عراق از جمله آثار متعلق به دوره ایلامیان بوده که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد به فرمان «آشور بانی پال» منقرض شده است. در کتیبه‌های بابلی، ایلام را آلامتو (آلام) خوانده‌اند که به قولی به معنای کوهستان (کشور طلوع آفتاب) است. شهر ماداکتو یکی از پایتخت‌های دولت ایلام، احتمالاً در نواحی

استان ایلام واقع شده باشد. علاوه بر ایلامی‌ها، اقوام دیگری مانند گوتی‌ها، کاسی‌ها و لولوبی‌ها در منطقه ساکن بوده یا برای مدتی در این محدوده سکونت داشته‌اند. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد لایه‌های استقرار سایت‌های باستانی دوران قبل از ایلامی‌ها را نشان می‌دهد که متعلق با دوران پروتو ایلامی و ماقبل سلسله‌های ایلامی است. علی‌محمدخلیلیان در رابطه با موقعیت فرهنگ و تمدن ایلام نوشته است: محدوده - ای که امروز با نام و مشخصاً عنوان استان ایلام پیش‌رو داریم لااقل در مرز صد هزار سال پیش واجد ویژگی‌هایی است که ما امروز تحت عنوان فرهنگ‌های دوران باستان در غرب و جنوب غربی ایران می‌شناسیم؛ این منطقه به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی، آب کافی، زمین‌های حاصلخیز، پوشش جنگلی، مراتع غنی و پناهگاه‌های طبیعی برای استقرار انسان در دوران مختلف جایگاه مناسبی داشته است. مهم‌ترین رودخانه این بخش از زاگرس، سیمره است که از ناحیه شمال شرقی وارد استان ایلام می‌شود و مرز آبی ایلام و لرستان را تشکیل می‌دهد و سپس با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود. رودخانه سیمره به موازات راه ارتباطی باستانی از شوش به سیمره - دره شهر فعلی - جریان دارد. این رودخانه با نام باستانی «اوکنو» نزد یونانیان کواسپس نامیده می‌شد. سیمره در منطقه پل دختر شعبه مهم کشکان را که از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته دریافت می‌دارد و با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود. این رود در جلگه خوزستان تغییرمسیر داده و از جنوب شهر بستان می‌گذرد و به باتلاق‌های ناحیه شرقی عراق می‌ریزد. تحولات تاریخی و تمدنی منطقه هلیلان با رودخانه سیمره گره خورده است (ایزد پناه، ۱۳۶۳: ۵۸). رودخانه سیمره طویل‌ترین رود ایران است که در منطقه ایلام و لرستان جریان دارد. بزرگ‌ترین تمدن‌های باستانی ایران در کنار این رودخانه شکل گرفته است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۶۵).

بقایای معماری تپه چگا پاسگاه در دشت هیژدانه

تپه باستانی معروف به پاسگاه در جنب شمال غربی شهر صالح آباد واقع شده است. این تپه باستانی در قسمت غربی رودخانه و چشمه صالح آباد قرار گرفته و حدود پانزده متر از سطح زمین‌های پیرامونی ارتفاع دارد. برشی که بر اثر حفاری غیر مجاز برای ایجاد سنگر در جهت شمال شرقی آن ایجاد شده و مشخص گردیده که لایه‌های مختلف آن تا کف رودخانه شامل دیوار خشکه چین با ملاط گل و در لایه برش امتداد دارد. محدوده این تپه باستانی با وجود تخریب شدید دارای آثار سفال، تیغه‌های سنگی، ابزارهای سنگی می‌باشد که تراکم سفال آن چشمگیر است. طول ابعاد سطح تپه ۳۰ × ۲۰ متر و تا فاصله ۲۰۰ متری پیرامون تپه آثار سفال و تیغه‌های سنگی مشاهده می‌شود. به دلیل ایجاد بنای پاسگاه انتظامی و حفاری غیر مجاز به شدت تخریب گردیده است. آثار متراکم سفال از نوع سفال‌های ظریف چرخ‌ساز، با رنگ‌های نخودی، سبز، خاکستری و با نقوش کنده، بندانگشتی و افزوده و نیز، پوشش گلی و ... اهمیت تپه باستانی را نشان می‌دهد. لایه‌های خاکستر در برش جبهه شمال شرقی و شرق تپه مشاهده می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۸).



تپه پاسگاه صالح آباد مهران

این تپه باستانی حدود ۱۵ متر از سطح زمین های پیرامونی ارتفاع دارد. طول ابعاد سطح تپه ۳۰ × ۲۰ متر و تا فاصله ۲۰۰ متری پیرامون تپه آثار سفال و تیغه های سنگی مشاهده می شود.

ویژگی اثر: این اثر متعلق به دوران پیش از تاریخ می باشد هر چند در دوره تاریخی نیز کاربرد داشته است. آثار بنای خشکه چین با ملاط گل در برش های پیرامونی تپه مشاهده شده است. حفاری باستانی شناسی موقعیت تپه را بیشتر روشن خواهد نمود. همین برش لایه های مختلفی را نشان می دهد که تا حدودی مواد فرهنگی لایه ها چون سفال، بنا و خاکستر قابل مشاهده است. بررسی های اولیه نشان می دهد این مکان در دوران ایلامیان دارای استقرار بوده است. به دلیل نزدیکی این مکان با شهر ایلامی چگا آهوان و قرار گرفتن در مسیر جاده جنوب غربی ایران به سرزمین میان رودان، در عهد باستان دارای اهمیت بوده است.

تپه سرنی

تپه باستانی در فاصله ۵۰۰ متری روستای سرنی از توابع صالح آباد مهران، ۲۰۰ متری غرب جاده ایلام به ارتفاعات مرزی میمک و نیز در مسیر یکی از جاده های باستانی به سمت میان رودان واقع شده است. لایه های زیرین تپه تپه ماهوری طبیعی می باشد. خاک تپه از جنس رسی - آبرفتی است. حفاری های غیر معجاز در سطح تپه و در بخش های دیگر آن دیده می شود. شیب نسبتاً تند تپه و بافت خاک آن از عوامل فرسایش طبیعی اثر است. پوشش گیاهی سطح تپه به صورت مرتعی است و اطراف آن را زمین های زراعی دربرگرفته است. منبع آب این تپه چشمه دائمی سرنی در ۲۰۰ متری جنوب غرب آن است. راه دسترسی به این تپه جاده ایلام به ارتفاعات مرزی میمک است.



تپه ی باستانی سرنی از توابع صالح آباد مهران

ویژگی اثر: آثار فرهنگی سطح تپه شامل حجم زیادی از تکه سفال های دوران مختلف تاریخی می باشد. بررسی ها نشان می دهد استقرار در این مکان از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی استمرار داشته است. آثار معماری در بخش هایی از سطح تپه که با بهره گیری از مصالح لاشه سنگ با ملات گچ بنا شده دیده می شود. به نظر می رسد تپه سرنی در دوران ایلامی دارای اسقرا بوده است. نمونه سفالینه های منقوش لایه های فرسایشی زیرین نشانگر این مطلب است.



تپه باستانی سرنی از توابع صالح آباد مهران (۱۳۸۱)

محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد)

این مکان باستانی در محدوده جغرافیایی (گلم زرد) میمک واقع در نوار مرزی ایران و کشور عراق در منطقه صالح آباد ایلام واقع شده است. شواهد و شناسه های موجود بر روی اثر نشان می دهد که این اثر در دوران مخلف به ویژه در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده است. سفالینه منقوش با طرح های مختلف، تیغه های سنگی، ابزار سنگی شواهد مهم مطالعات باستان شناختی این محوطه باستانی است. این مکان در مسیر ایل راه های باستانی غرب ایران به سرزمین میان رودان واقع شده است. رودخانه گدارخوش که از ناحیه کوهستانی ایلام سرچشمه گرفته با طی مسافتی در این منطقه جاری است. اطلاعات دقیق علمی منوط به حفاری ها و کاوش های باستان شناسی است.



محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



تیغه های سنگی محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



نمونه ابزار سنگی محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



سفالینه محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران

تمدن حوزه کنجان چم

تمدن حوزه کنجان چم به عنوان منطقه حائل بین فلات مرکزی و میان رودان نقش ارتباطی مهمی در گذشته داشته است. مسیر جاده فعلی ایلام با گلان و مهران از جمله مسیرهای مواصلاتی فلات مرکزی با بخش مرکزی بین‌النهرین بوده است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). شرایط جغرافیایی، منابع آب، وجود آثار متعدد و نزدیکی راه به سمت به دره و زرباطیه عراق می‌تواند از دلایل وجود این راه باستانی باشد. فریا استارک در سفرنامه خود نیز به این راه قدیمی اشاره نموده است و از شهر بغداد، از طریق شهرهای شرقی عراق به شهر مهران آمده و از مهران به دیگر نواحی محدوده استان ایلام مسافرت نموده است. استین در مورد راه‌های غرب ایران اطلاعات مناسبی ارائه داده است، وی در سفر خود پس از دزفول، لرستان غربی و شمالی را مورد بازدید قرار داده است و به راه‌های منطقه اشاره نموده است. در بررسی شواهد فرهنگی تپه‌های گلان و چگا آهوان با تپه‌های باکسایا، بادرایا، تل عقرب، تل اسمر و ... و نیز، مقایسه و بررسی آنها می‌تواند اطلاعات مناسبی به دست دهد... به نظر می‌رسد استمرار و توالی

استقرارهای دشت شوشان و موسیان و در ارتباط با ساکنان شرق بین‌النهرین بوده باشد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳). تل‌های باکسایا و بادریا در شهر بدره عراق در نزدیکی شهر مهران با تپه‌های سیدحسن A و B و چگا‌آهوان در دشت مهران و نیز، تپه گلان برحاشیه رود کنجان چم در این منطقه می‌تواند از جهاتی با هم قابل مقایسه باشند که بررسی‌های اولیه شواهدی را در این زمینه مطرح می‌نماید. در این محوطه باستانی شواهدی از سفالینه دوره ایلامی به دست آمده است.

محوطه‌های باستانی امیرآباد

محوطه وسیع امیرآباد در حاشیه غربی رودخانه کنجان چم و در فاصله پنج کیلومتری جنوب شرقی تپه‌های گلان از توابع شهرستان مهران از عهد باستان بر جای مانده است. هیئت باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی به سرپرستی دکتر حبیب‌اله محمودیان، محوطه‌های امیرآباد I, II, III را در سال ۱۳۸۱ شناسایی و جهت ثبت در فهرست آثار ملی مستندسازی نموده‌اند. مهم‌ترین شواهد فرهنگی بر جای مانده پی بناها، تکه‌های سفال از نوع سفال‌های منقوش و ساده، تیغه‌های سنگی و نمونه سنگ آبدین می‌باشد، سفال‌های متعدد محوطه امیرآباد I, II با برخی سفال‌های چگا‌آهوان «دو خط موازی و یک خط زیگزاگ در قسمت بالا با لعاب قهوه‌ای و در مواردی شطرنجی است» قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۸۲: ۳۱). شرح مفصل این آثار در مباحث همین فضا آمده است.

محوطه در محدوده‌ای به ابعاد $۱/۵ \times ۱$ کیلومتر گسترده شده و مهم‌ترین شواهد فرهنگی بر جای مانده پی بناها، تکه‌های سفال از نوع سفال‌های منقوش و ساده، تیغه‌های سنگی و نمونه سنگ آبدین می‌باشد، حفاری غیر مجاز چند قبر نشان می‌دهد که گورها با بهره‌گیری از سنگ‌های یکپارچه جوانب و احتمالاً بالای قبر پوشش

داده است که با نمونه گورهای دوره کاسی ها قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۳۹). پیتیر کالمایر هم به برخی از آثار برنزی محدوده ایلام اشاره نموده است (کالمایر، ۱۳۷۶: ۲۳۳). اما سفال‌های متعدد محوطه امیرآباد I, II با برخی سفال‌های چگا آهوان «دو خط موازی و یک خط زیگزاگ در قسمت بالا بالاعاب قهوه‌ای و در مواردی شطرنجی» قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۹۶: ۳۳)



محوطه عمومی امیرآباد

امکان ادامه و توالی استقرار شوش، تپه‌های دهلران را می‌توان تا حدودی در مهران و حاشیه رود کنجان‌چم حدس زد. فراوانی سنگ‌های اصلی «مادر»، با رنگ‌های مختلف برای تهیه تیغه‌ها بر سطح آثار بسیار با اهمیت تلقی می‌شود. ارتباط تنگاتنگ تپه‌های چگا آهوان مهران با تل‌های باکسایا و بادرایا در به دره عراق و در نزدیکی این دو اثر با هم می‌تواند از جهت آثار و شاهد فرهنگی قابل مقایسه باشند و این اظهار نظر می‌تواند ما را به سمت مطالعه دقیق علمی سوق دهد. به دلیل تحول و تحرک مناسبی که در عرصه فعالیت‌های باستان شناسی کشور ملاحظه می‌شود می‌توان به آینده

امیدوار بود تا بسیاری از مکان‌های ناشناخته فرهنگی کشور به همت باستان شناسان توانمند کشورمان شناسایی و معرفی شوند. به قول فرانک هول «آینده یاستان شناسی ایران بسیار روشن است. ایران کشوری است فوق العاده غنی با منابع بسیار و شرایط آب و هوایی که در غرب آسیا کمتر دیده می‌شود. تپه‌های باستانی باکسایا و بادریا در این شهر مرزی عراق از دوران باستان برجای مانده که در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۳).



محوطه باستانی امیر آباد



محوطه باستانی امیر آباد (شهرستان مهران گزارش فصل اول بررسی و شناسایی
آثار باستانی بخش مرکزی مهران (محمودیان : ۱۳۸۲)

دهکده‌های اولیه چگا آهوان و چگا گلان

چگا گلان: این تپه در دشت گلان از توابع شهرستان مهران واقع شده و در ارتباط با اسکان در دهکده‌های نخستین بررسی گردیده است. چگا آهوان نیز در دشت مهران واقع شده و در ارتباط با اسکان در هزاره‌های پنجم و چهارم بررسی گردیده است. عباس عزیزاده باستان شناس ایرانی در همایش میراث های تمدنی استان ایلام در رابطه با سایت باستانی چگا آهوان گفته است: چگا گلان یکی از سایت مهم و کلیدی است؛ ولی همان طور که گفتیم: چیزی که چگا گلان تمام می کند، چگا آهوان ادامه می دهد. چگا آهوان حدود پانزده هکتار شاید هم بیشتر وسعت دارد. من شنیدم هفده هکتار. این هفده هکتار در هزاره چهارم یک شهر بزرگ بوده با هر مقیاسی که اندازه بگیرید، شهر بسیار بزرگی است و اگر روی چگا آهوان راه بروید می بینید از تپه ماهورهای زیاد اطرافش تشکیل شده است. روی این تپه ماهورها میخ‌های گلی پخته‌ای هست که

برای تزئین معابد از آن استفاده می کرده‌اند. بنابراین، از همان شکل سطحی که آنجا هست، چندین کاخ و به احتمال زیاد معبد وجود دارد. برای اینکه سفال‌های چگا آهوان روی سطح تپه نادرند. هیچ جای ایران سفالی ندارد که کاملاً مال عید باشد؛ یعنی الآن جمعیت ایلام، جمعیت مخلوطی است. هم عرب دارید، هم لر، هم- کرد، هم فارس. قبلاً هم همین طور بوده‌است. واقعاً بین‌النهرینی‌ها آنجا زندگی می کرده‌اند. فقط تأثیر فرهنگی نیست که این سفال شبیه آن سفال یا این شیء شبیه آن شیء باشد. اینها اینجا با هم زندگی می کرده‌اند.

معماری شهر باستانی چگا آهوان

یافته‌های باستانشناسی نشان می دهد در لایه های مختلف چگا آهوان آثار ابنیه برجای مانده است. دکتر علی زاده در بخشی از سخنانش به معماری چگا آهوان اشاره کرده و گفت: کاوش چگا آهوان یک اجتماعی را برای ما ظاهر می کند. به ویژه با توجه به آن معماری فرهیخته‌ای که من حدس می زنم در زیر داشته باشد. در واقع هم قصر باید داشته باشد، هم کاخ، هم معبد. حتی می توانیم آنها را ببینیم که چگونه مردم چند ملت با صلح و صفا با هم زندگی کرده‌اند و چنین تمدنی را پایه گذاری نموده‌اند؟



حفاری و کاوش در چگآ آهوان مهران در غرب ایران



بقایای معماری در چگا آهوان (لایه گل و نی برای پوشش سقف)



خشت خام (چگا آهوان)

آثار ایلامی چگا آهوان مهران: بررسی های باستان شناسی نشان می دهد شواهد و شناسه های فرهنگی متعددی مربوط به دوران ایلامیان در این مکان باستانی به دست آمده که به آن اشاره شده است.



نمونه سفالینه چگا آهوان ایلام



حفاری در چگا گلان

دشت دهلران در دوره روستانشینی

جلگه پست جنوب زاگرس در منطقه دهلران و موسیان مهم ترین منطقه‌ای است که به وسیله باستان شناسان مورد حفاری و کاوش قرار گرفته است. در سال ۱۹۰۵ میلادی هیئت فرانسوی (گوتیه و لمپر) تپه‌های علی‌کش، چغا سفید، تپه سبز فرخ‌آباد و موسیان را در این منطقه مورد بررسی قرار داده‌اند. در سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ «فرانک هول»، «فلانری»، «جیمز نیلی» و «هنری رایت» در تپه‌ها و محوطه‌های باستانی دهلران به تحقیقات پرداخته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که دوره‌های روستانشینی آغازین بر اساس لایه نگاری و تغییر شکل در دست ساخته‌ها و ساختمان‌ها متمایز شده است. بر اساس گاه‌نگاری، نواحی مورد بررسی در این منطقه از قدیمی‌ترین دوره تا جدیدترین، به ترتیب عبارتند از: بزمرده، علی‌کش، محمدجعفر، چغاسفید و چغاسرخ. منطقه غرب ایران در دوره روستانشینی میانه تا جدید دارای تحولات عمده‌ای است. باستان شناسان در مناطق پشتکوه و لرستان، حد فاصل دشت دهلران تا نواحی کوهستانی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و سایت‌های باستانی متعلق به این دوره را یافته‌اند. لوئیس واندنبرگ سرپرست هیئت مشترک ایران و بلژیک در جستجوی معبدهایی از عصر مفرغ در دهه ۱۹۶۰ فعالیت‌های گسترده‌ای در غرب ایران انجام داده است. بیشترین اطلاعات ما از این دوره استقرار بر گرفته از یافته‌های باستان‌شناختی این هیئت است. کشف گورستان‌های پرچینه و هکلان در منطقه زرین‌آباد و بسیاری گورستان‌ها و محوطه‌ها در مناطق ایلام و لرستان حاصل تلاش‌های هیئت بلژیکی است. اشمیت و اورل‌استین از جمله باستان‌شناسانی هستند که در مورد مکان‌های باستانی غرب ایران به تحقیق پرداخته‌اند. فرانک هول موقعیت مکان‌های استقرار غرب ایران را در دوره روستانشینی به صورت زیر گاه‌نگاری نموده است (هول، ۱۳۸۱):

۱۳۴). کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته، روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه ده هزارسال پیش فعالیت تمدنی داشته است. یافته‌های باستان‌شناسی و آزمایش‌های انجام شده (به وسیله هول و کنت فلانری) در سال ۱۹۶۱ بر روی تپه‌های باستانی دهلران (علی‌کش، چغا سفید، موسیان) و دیگر مناطق باستانی این منطقه نشان می‌دهد انسان در فاصله ۵۵۰۰ تا ۷۵۰۰ قبل از میلاد در این منطقه علاوه بر کشت دانه‌های گیاهی در زمینه ایجاد اولین دهکده و استقرارگاه به موفقیت دست یافته است.

دهلران در دوران پروتویلامی

به دوران قبل از اختراع خط و کتابت، دوران پیش از تاریخ اطلاق می‌شود. یافته‌های علمی باستان‌شناختی نشان می‌دهد دهلران در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده و تمدن داشته است. دوران پیش از تمدن ایلام دوران «پروتویلامی» نامیده می‌شود. آثار متعددی از این دوران در دهلران برجای مانده است. علیزاده در همایش میراث تمدنی استان ایلام در رابطه با موقعیت استان ایلام در دوران پیش از تاریخ گفت: این استان، شمالی‌ترین بخش دشت‌های پست جنوب غربی ایران است. از شهر ایلام به طرف دهلران و خوزستان شیب زمین کمتر می‌شود و این شرایط تا خلیج فارس ادامه می‌یابد. او اضافه کرد: یکی از مسائلی که در باستان‌شناسی مطرح است، مسأله فرهنگ است. اگر ما نتوانیم به این سؤال پاسخ بدهیم تفسیر فرهنگ‌های بعدی برای ما بسیار مشکل خواهد شد. چطور فرهنگ را بشناسیم؟ فرهنگ دهکده‌ای، فرهنگی که با مواد مادی سر و کار دارد، فرهنگی که توانسته محیط زیست را مهار کند، خود را مهار کند و در اختیار خودش قرار بدهد. او سئوالاتی مطرح کرد. این فرهنگ کی شروع شده بود؟ از کجا شروع شده بود؟ او ادامه داد: این دو سؤال خیلی

بنیادی و مهم هستند. ما فکر کردیم استان ایلام می‌تواند به این‌ها جواب بدهد. من در دهلران کار کرده‌ام، در خوزستان هم کار کرده‌ام. تا زمان حاضر خوزستان قدیمی‌ترین دهکده ایران و در خاور نزدیک یکی از قدیمی‌ترین دهکده‌ها چغابنوت نام دارد؛ ولی وقتی ما چغابنوت را حفاری کردیم، متوجه شدیم فرهنگ مادی که چغابنوت دارد، بسیار فرهیخته‌تر از فرهنگ دهلران است. همچنین، تپه علی‌کش چند فاز دوره آغاز نوسنگی دارد که فرهنگش مادی نیست، یواش یواش شکل می‌گیرد و به شکلی درمی‌آید که ما بعداً در مواد باستانی می‌شناسیم. این فرهنگ بسیار فرهیخته است. ریشه‌اش نه در خوزستان می‌توانیم پیدا کنیم و نه در دهلران. بنابراین، شاید ایلام تنها کاندیدی است که می‌تواند به ما نشان بدهد (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۳).

تپه باستانی علی‌کش

این تپه در جنوب شرقی دره دهلران (کنار رود میمه) واقع شده است. فاصله این تپه با تپه موسیان حدود ۲/۵ کیلومتر و در جهت مغرب است. تپه علی‌کش به نام‌های تپه محمدجعفر، تپه بزم‌مرده و تپه علی‌آباد نیز خوانده شده است (EAKI, PP.99-100; Hole, F, PSWL, PP.147-206). تپه علی‌کش تپه‌ای است کوتاه و مدور که بلندترین نقطه آن امروزه حدود ۴ متر از سطح زمین‌های اطراف بالاتر قرار دارد. ضخامت آثار باستانی آن حدود هفت متر و قطر آن ۱۳۵ متر است. در سال ۱۹۰۳ م. ژاک دومورگان در رأس یک هیئت فرانسوی تپه علی‌کش را مورد بررسی قرار داده است. او ضمن یک گمانه آزمایشی، قدمت این تپه را ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ قبل از میلاد اعلام کرده است. تپه علی‌کش در کنار رود میمه واقع شده و در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ یک فصل حفاری در این تپه صورت گرفته است (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸). آثاری که در این تپه به دست آمده، مربوط به دوره نوسنگی است.

دوره‌های فرهنگی: یافته‌های باستان شناسی، هفت دوره فرهنگی را برای تپه علی کش ارایه نموده است که دوره‌های بزمرد، علی کش و محمدجعفر، قدیمی ترین دوره‌های فرهنگی است. در دوره بزمرد ابزارهای سنگی شامل سنگ‌های کوبنده، کاسه‌های سنگی، مهره‌های تزئینی و پیکرک‌های گلی حیوان در این تپه به دست آمده است. کشت غلات، رونق داشته و از غلات، گندم و جو کشت می‌شده است و از حبوبات نمونه عدس در حفاری‌های دوره علی کش به دست آمده است. در دوره علی کش از داس‌های سنگی، کاسه‌های کف تخت، بشقاب‌های کم‌عمق، استفاده شده است. علاوه بر پیکرک‌های گلی بز، چند نمونه پیکرک گلی انسان نیز یافت شده است. قدمت این دوره، براساس آزمایش‌های انجام شده از طریق کربن چهارده بیش از هشت هزار سال را نشان می‌دهد. در مورد استقرار در تپه علی کش چنین اظهار نظر داشته شده است که در دوره «بزمرد» نوعی استقرار فصلی وجود داشته است. در دوره «علی کش» طول مدت استقرار بیشتر شده و در دوره «محمدجعفر» ساکنان دهلران استقرار دائم داشته‌اند. پژوهش‌های باستان شناسان در منطقه موسیان اطلاعات ارزشمندی ارایه داده است. در دوره بزمرد از ابزارهای سنگی، صدف و استخوان حیوانات استفاده شده است، در دوره بعدی؛ یعنی علی کش ضمن استفاده از قطعات گل رسوب منطقه از ابزارهای سنگی، تیغه‌های آبسیدین و ظروف سنگی استفاده می‌شده است. در این دوره ساخت پیکرک‌های گلی بز رواج داشته است.

تپه باستانی موسیان

این تپه در منطقه موسیان از توابع شهرستان دهلران در نزدیک مرز ایران و عراق واقع شده است. هیأت فرانسوی به سرپرستی گوتیر و لامپیر این تپه را حفاری نمود (1905, J. Lautier, 1948-59 PP). این محوطه با ۱۷/۵ ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف بزرگترین تپه باستانی دشت دهلران و حتی جنوب غرب ایران است. مساحت آن ۵۵۰×۵۵۰ متر است (Neely and Wright, 1994: 57). بررسی‌ها نشان می‌دهد آجرهای پخته احتمالاً مربوط به هزاره دوم ق.م به صورت گسترده بر سطح محوطه پراکنده به دست آمده است.



تپه‌ی موسیان

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که موسیان در اواخر استقرار خود در نقاط مختلفی توسط دیوار بزرگی احاطه شده و راه ورودی در غرب آن قابل مشاهده است. یافته‌های سفالی نشان می‌دهد که تپه دارای خصوصیت ممتازی بوده است. خمیر سفال‌ها زرد رنگ و یا سبز رنگ است. نقوش آن شامل: خطوط هندسی، مانند صلیب یونانی

لبه‌دار، لوزی‌های دنباله دار، شکل‌های شبیه عدد هفت، دایره‌های شبیه قرص خورشید، درخت خرما، نقوش مرغان آبی، نقوش کنده کاری شده حیواناتی از قبیل: - ببر، کفتار با پاهای شبیه به اره، بزکوهی به صورت مصنوعی و بزهای کوهی با شاخ‌های دندانه دار، نقش انسان‌هایی که دست‌هایشان را بلند کرده‌اند.

تپه مراد آباد موسیان

این تپه‌ها در فاصله چهار کیلومتری جنوب شرقی روستای پتک دیناروند و در نزدیک تپه موسیان، از توابع شهرستان دهلران واقع شده‌اند. طول جنوب شرقی - شمال غربی تپه شماره دو که به شکل بیضی است ۱۲۰ متر و عرض شمال شرقی - جنوب غربی آن ۱۱۰ متر اندازه‌گیری شده است. ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف هفت متر و مساحت آن در حدود یک هکتار است (نورالهی، ۱۳۸۵: ۲۵۷). جنس خاک این تپه، رسی است. در سطح بالایی تپه و نیز شیب یال‌های آن پراکندگی مواد سطحی به ویژه قطعات سفال، ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به فراوانی دیده می‌شود.

پراکندگی یافته‌های سطحی تا شعاع ۳۰ متری تپه دیده می‌شوند. رودخانه دویرج در فاصله ۴۰۰ متری جنوب این تپه جریان دارد. گونه‌های متنوعی از قطعات سفال، ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به صورت پراکنده و به مقدار فراوان یافته‌های سطحی این اثر ارزشمند باستانی را تشکیل داده است. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این محوطه در هزاره سوم ق.م دارای استقرار بوده است. سفال‌های هزاره سوم ق.م نیز هم‌زمان با شوش در خوزستان، «جمدت نصر» در میان رودان و «بانس» در فارس می‌باشند (همان: ۲۵۷). بررسی این تپه به وسیله هیأت فرانسوی به سرپرستی گوتیر و لامپر انجام گردید (Lautier, J., P.83, 1905).



تپه مراد آباد موسیان (آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام)

اهلی کردن دام و دانه‌های کشاورزی

کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه حدود هشت هزار سال پیش از میلاد از گونه‌های گیاهی و دامی چون: گندم، جو، میش و بز استفاده می‌کرده است. بر اساس شواهد به دست آمده به وسیله باستان شناسان و همچنین، آزمایش‌های فراوان هول و کنت دی فلانری در سال ۱۹۶۱ بر روی تپه‌های علی‌کش و چغاسفید و دیگر مناطق باستانی این منطقه، انسان در اهلی کردن دام و کشت دانه‌های گیاهی مانند جو، عدس، ماش و کتان توفیق داشته است. پژوهش‌های باستان شناسان در منطقه موسیان اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. اجرای پروژه پیش از تاریخ ایران در تپه موسیان، تپه سبز و تپه علی‌کش و چند تپه دیگر و تلاش باستان شناسانی چون فرانک هول، کنت فلانری و جیمز نیلی موجب شد هفت دوره فرهنگی در دشت موسیان از ۷۵۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م مشخص شود و به ترتیب از قدیم‌ترین دوره بزمرده ... علی‌کش و محمد جعفر نامیده شدند (ملک شهیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸).

شهرنشینی در دهلران

اواسط هزارهٔ ششم قبل از میلاد، زمان ورود ساکنان دهلران به دورهٔ شهرنشینی است. تنوع آثار به دست آمده از تپهٔ علی کش، ارتباطات اجتماعی ساکنان دهلران با بیشابور، فارس، نواحی غرب ایران، سیلک کاشان، جارمو در کردستان و اطراف دریاچه وان در ترکیه را نشان می‌دهد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۳۴). ارتباط ساکنان بین‌النهرین از طریق موسیان به سمت فارس و کرمان و حوزهٔ رودخانهٔ هلیل رود در استان کرمان می‌تواند جهات مختلف این ارتباط را روشن نماید. در سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۲ خورشیدی) گوتیر^۳ و لامپر^۴ به منظور حفر گمانه‌های آزمایشی در تپه‌های موسیان، خزینه و تپهٔ کوچک محمدجعفر و تپه فرخ‌آباد (بعداً معلوم شد همین تپهٔ علی کش بوده است) از دهلران بازدید به عمل آوردند (Hole, Flanry, Neely ۱۹۶۹:۸). این هیأت در جبههٔ شمال شرقی علی کش گمانهٔ کوچکی به ابعاد ۷×۷ متر حفر کردند. در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ خورشیدی) رابرت بریدوود، مدیر طرح پیش از تاریخ دانشگاه شیکاگو، به همراه ریچارد واتسون^۵ متخصص زمین‌شناسی در طرح مزبور، از منطقهٔ دهلران و تپهٔ محمدجعفر بازدید کردند. سال بعد (۱۹۶۱ میلادی) فرانک هول و کنت فلانری، از شاگردان مکتب بریدوود، به منطقه آمدند و در یک بررسی کوتاه مدت علاوه بر شناسایی تعدادی از محل‌های باستانی، در بعضی از آنها اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی کردند. تپهٔ محمدجعفر (علی کش) یکی از آنها بود. دو سال بعد که فرانک هول هیأت باستان‌شناسی دانشگاه رایس^۶ را تشکیل داد، به همراه کنت

^۳ - Gautier

^۴ - Lampre

^۵ - Watson

^۶ - Rice university Archaeological project

فلانری و جیمز نیلی با توسعه دادن گمانه آزمایشی سال ۱۹۶۱ میلادی در تپه علی کش، حفاری در این محل را تا سطح خاک بکر ادامه دادند. در سال ۱۹۶۳ میلادی، علاوه بر حفاری در تپه علی کش در دو تپه موسیان و چغاسبز نیز، اقدام به حفر گمانه‌هایی آزمایشی نمودند (Neely and wrigh 1994:4). در سال ۱۹۶۳ میلادی حفاری در تپه علی کش در عمق هفت متری و در چغاسبز در عمق یازده متری به خاک بکر رسید. در سال ۱۹۶۳ میلادی در شرق گمانه آزمایشی قبلی، ترانشه دیگر با ابعاد ۱۰×۱۰ متر حفر گردید (مترجم، ۱۳۸۵: ۴). در بررسی باستان‌شناسی سال ۶۹-۱۹۶۸ میلادی توسط جیمز نیلی و هنری رایت^۷ در منطقه دهلران تعدادی تپه باستانی دیگر شناسایی شدند از جمله این مکان‌ها می‌توان به چگا سفید اشاره نمود (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۱۹۱). فصل دوم بررسی و شناسایی این شهرستان در سال ۱۳۸۴ به وسیله هیئت باستان شناسی میراث فرهنگی استان ایلام به سرپرستی عباس مترجم اجرا شد.



تپه سفید دهلران

^۷ - Henryt. Wright

تحوالات فرهنگی دشت دهلران

افزایش جمعیت و متراکم شدن آن در مناطق حاصلخیز برای کشت و زرع موجب گردید که انسان در سرزمین‌های واقع در زاگرس مرتفع خود را تدریجاً با نظام‌های آیش کوتاه مدت انطباق دهد. این مرحله‌ای است که «بریدوود» آن را «مرحله نخستین روستاهای کشاورزی» نامیده است و تقریباً شامل هزاره هفتم و نیمه نخست هزاره ششم (ق.م) می‌گردد. در مرحله پایانی دوران نوسنگی از یک سو، منابع غذایی با عملکرد شیوه‌های کشت و زرع معمول، بی‌شک دچار کاهش جدی می‌شود و از سوی دیگر، نیروی کار بیشتر، جامعه را برای گذر به سمت کشت آیش کوتاه مدت که بر استفاده بیشتر از کج‌بیل تأکید داشت، یاری می‌دهد. تعداد کج‌بیل‌های به دست آمده از علی‌کش در دوره‌های «علی‌کش» و «محمدجعفر» اشاره بر استفاده از زمین به شیوه کشت آیش کوتاه مدت در دشت دهلران دارد. از سوی دیگر، وجود این ابزار دال بر گسترش تکنیک‌های آبیاری ابتدایی در تپه سبز (۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ق.م) و کار کشاورزی است. بنابراین، آغاز کشاورزی به شیوه آبیاری ساده و استفاده از کج‌بیل برای نخستین بار در دوره سبز در دهلران را به اثبات می‌رساند. کشت آیش کوتاه مدت بی‌تردید نیاز به تقویت مصنوعی زمین دارد. رها کردن دام در زمین‌های کشاورزی برای خوردن علف هرز و استفاده از کود دامی یکی از شیوه‌های تقویت خاک کشاورزی است که در این منطقه ابداع شده است. در دهلران رشد جمعیت ظاهراً تا اواسط هزاره چهارم ادامه می‌یابد. در دهلران برای دوره خزینه (۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰ ق.م) دوازده محوطه استقرار گزارش شده است. در اواخر دوران فرهنگ‌های پیش از تاریخ در دهلران کشاورزی مطمئناً به میزان وسیعی انجام می‌گرفت و محصولات عمده آن عبارت بود از گندم معمولی، جو شش ردیفه و عدس. یافته‌های باستان

شناسی نشان می‌دهد همراه با فعالیت‌های کشاورزی، پرورش گوسفند و بز نیز، در سطح وسیعی در این منطقه وجود داشته است.

دشت دهلران: کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی دهلران اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از دوره‌های مختلف پیش از تاریخ ارایه داده که در این بحث به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

دوره روستا نشینی آغازین: در فازهای بزمرده، علی‌کش، محمد جعفر، سرخ و سفید شناسایی گردید و معرف دوره اولیه یکجانشینی با همراه تدام سنت‌های محلی و شکل‌گیری نخستین تجارت‌های فرا منطقه در دشت دهلران است.

دوره روستا نشینی قدیم: فازهای انتقالی چغامامی، سبز و خزینه معرف دوره روستا-نشینی قدیم در دشت دهلران است. فاز انتقالی چغامامی از دوره همزمان تپه چغامامی در دشت مندلی عراق گرفته شده است که براساس آن دوره آغازین روستانشینی به پایان می‌رسد و دوره جدیدی با شیوه‌های کشاورزی مبتنی بر آبیاری و تغییر در الگوهای معیشتی نمودار می‌گردد.

دوره روستا نشینی میانه: فازهای میمه، بیات و فرخ نشان دهنده دوره روستانشینی میانه در دشت دهلران است. در این دوره محوطه‌های مختلف از الگوی معیشتی مشخصی پیروی نمی‌کنند و محصولات کشاورزی به صورت گسترده کشت می‌گردد. در فاز بیات استقرار در تپه سبز به پایان می‌رسد. فاز فرخ طی کاوش‌های تپه فرخ آباد پدیدار گردید و شواهد جالب و قابل توجهی از ساختمان‌های یادمانی با بناهای عمومی همراه با فعالیت‌های یک طبقه ممتاز به دست آمده است.

دوره روستانشینی جدید: شوش A و شوش A پایانی / سرگراب: اطلاعات ما در زمینه این دوره در دشت دهلران بسیار اندک است و محدود به سفال‌های به دست آمده از

دشت شوشان است. در دشت دهلران بقایای این دوره از محوطه کوچک سر گراب شناسایی شد؛ اما مورد کاوش قرار نگرفت. سفال‌های این محوطه مشابه سفال‌های مناطق کوهستانی است و به نظر رایت در این مرحله دهلران مورد هجوم مناطق کوهستانی قرار گرفته است (هول، ۱۳۸۸: ۶۵-۷۸).

محوطه باستانی پرچینه

محوطه باستانی پرچینه در منطقه زرین‌آباد دهلران از توابع استان ایلام واقع شده است. واندنبرگ، گورستان مکشوفه در این ناحیه را منسوب به دوره روستائینی میانه تا روستائینی جدید می‌داند. فرانک‌هول نوشته است: «پرچینه، گورستان بزرگی است که ۱۵۶ گور آن کاوش شده است. تحقیقات مختلفی در جنوب غرب ایران انجام شده است. پروژه پیش از تاریخ ایران و پیش از تاریخ دشت دهلران از جمله اینگونه طرح‌هاست که عمدتاً بر مطالعات دشت‌های جنوبی دهلران تمرکز داشته است. پروژه دیگری نیز، به منظور بررسی و شناسایی گورستان‌های کوچ‌نشینی در کوه‌های زاگرس به سرپرستی لویی واندنبرگ در منطقه دهلران انجام شده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۴۳). طی همین پروژه منطقه زرین‌آباد و میمه واقع در بخش کوهستانی شمال غربی دهلران توسط لویی واندنبرگ مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفته است. در آرامگاه‌های این گورستان سنگ‌های حفره‌داری کنار هم چیده شده و سرپوشی روی آنها را گرفته است» (هول، ۱۳۸۳: ۹۵). در حفاری گورهای این مکان باستانی اشیائی چون مهر، سرگرز، تبر، سنگ ساب و ظروف سفالی به دست آمده است. در این منطقه، گورستان دیگری به نام هکلان مورد کاوش قرار گرفته و اشیای به دست آمده با ساخت گورها هم‌خوانی دارد. از جهتی نمونه مشابه اشیای کشف شده در هکلان در محوطه باستانی پرچینه نیز دیده می‌شود.

لذا برخی ظروف این دو محوطه با هم مشابه‌اند (همان: ۹۶) واندنبرگ اوایل دههٔ ۱۹۷۰م دوگورستان منفرد هکلان در بخش میمه و پرچینه در منطقهٔ زرین‌آباد را شناسایی و مورد کاوش قرار داد (Vandenberg, 1971, 1975, 1978).

براساس یافته‌های آن‌می‌توان آنها را یکی از قدیمی‌ترین و مطمئن‌ترین شواهد باستان-شناختی حضور مردمان کوچ‌نشین پیش از تاریخ در کوهستان‌های غرب ایران دانست (همان: ۳۸۷: ۴۴). این دو گورستان بر اساس مقایسه‌ای کلی با سفال‌های هزارهٔ پنجم زاگرس مرکزی مورد تاریخ‌گذاری قرار گرفته‌اند. بر این اساس گورهای بخش A در گورستان پرچینه را به ۴۶۰۰ تا ۴۲۰۰ ق.م و گورهای بخش B و تمام گورستان هکلان به ۴۲۰۰ تا ۳۶۰۰ ق.م به دوران مس و سنگی میانی و مس و سنگی جدید تاریخ‌گذاری شده‌اند (Haerink and Overleat, 1996: 27). اشیائی که از این گورستان به دست آمده است شامل ظروف سفالی، سرگرزهای مسی و سنگی، ظروف سنگی، چکش و تیرهای سنگی، مهرهای سنگی و مهرهای استامپی است. وجود مهرهای استامپی در یک گورستان دوره مس و سنگ بدون وجود استقرارهای سکونت‌گواهی بر وجود پیچیدگی‌های اجتماعی و فن‌مدیریت در جوامع کوچ‌نشینی در هزارهٔ پنجم قلمداد شده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۸۷-۱۰۲) یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این دو گورستان وجود دست‌ساخته و ظروف سفالی با سبک‌های گوناگون بین‌النهرین، دشت شوشان و کوه‌های زاگرس و همچنین، وجود سلسله‌مراتب اجتماعی بر اساس اشیای تدفینی است. متأسفانه در این بخش از دشت دهلران به جز کاوش‌های محدود لویی واندنبرگ در این دو گورستان بسیار مهم مطالعه جدی دیگری همچون کاوش‌های گسترده بخش جنوبی صورت نگرفته است. به همین دلیل، اطلاع‌چندانی از دیگر دوره‌های مختلف در دست نیست و از طرف دیگر امکان ارتباط استقرارهای سرزمین-

های بلند شمال غربی دهلران با جوامع یکجانشین و کشاورز جنوب دشت میسر نشده است و ما نمی‌توانیم بر اساس یافته‌های فعلی درک درستی از پایان روستا نشینی جدید / سرگراب که با حمله ساکنان کوهستان به دهلران پایان یافته (هول، ۱۳۸۸: ۷۴) ارایه دهیم. با این حال، مطالعات و بررسی اخیر در این منطقه سیمای روشنی از وضعیت منطقه در دوران تاریخی به دست داده است. به هر حال، انتظار می‌رود برنامه‌های بلند مدت و منسجمی برای پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه طراحی و اجرا گردد.



گورهای کاوش شده گورستان همکلان



گورهای کاوش شده گورستان برچینه

منابع و مآخذ:

الف) منابع فارسی

- آمیه، پیر؛ (۱۳۴۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- احسانی، محمد تقی؛ (۱۳۶۸)، هفت هزار سال هنر فلز کاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- اسکالونه، نریکو؛ (۱۳۹۴)، باستان شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم)، ترجمه سید منصور سید سجادی، تهران: انتشارات سمت.
- بحرالعلومی،... فرانک؛ (۱۳۷۸)، روش های سال یابی در باستان شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- بهزادی، رقیه؛ (۱۳۸۳)، آریاها و ناآریاها در چشم انداز کهن تاریخ ایران، تهران: انتشارات ظهوری.
- پاتس، دنیل تی؛ (۱۳۸۵)، باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پورمحمدی، پریسا؛ (۱۳۹۵)، چغا زنبیل، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵.
- خلیلیان، علی محمد؛ (۱۳۷۹)، ایلام در گستره تاریخ، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳ و ۴ (۶۲-۶۷).
- راولینسون، سرهنری؛ (۱۳۷۲)، سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب و خوزستان)، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی؛ (۱۳۷۳)، مجموعه دروس باستان شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، انتشارات افلاک.
- صراف، محمدرحیم؛ (۱۳۷۲)، نقوش برجسته ایلامی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طلائی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره ق. م، تهران: انتشارات سمت.

- علیزاده، عباس؛ (۱۳۸۰)، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، (چاپ نشده).
- _____؛ (۱۳۷۶)، گزارش توصیفی و مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناسی - انسان‌شناسی در دره‌های رودکر و ناحیه شمال غربی مرودشت فارس، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی.
- _____؛ (۱۳۶۵)، آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴، (۱-۱۳۱).
- _____؛ (۱۳۸۲)، همایش ملی معرفی میراث‌های تمدنی، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام.
- _____؛ (۱۳۹۱)، روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی، پیام باستان‌شناس، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۷ (۸۷-۱۰۲).
- فرای، ریچارد، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- کارتر، الیزابت؛ (۱۳۷۲)، بنای ایلام میانی در انشان (تل ملیان)، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، دوره هفتم، شماره ۱۳ و ۱۴ (49-55)،
- کالمایر، پیتر؛ (۱۳۷۶)، مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه، ترجمه محمد عاصمی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیلانی، نجم‌الدین/ فریدون الهیاری؛ (۱۳۹۱)، «نقش ایلام باستان در توسعه فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان»، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳۶ و ۳۷، پاییز و زمستان.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۸۲)، گزارش بررسی و مستندسازی آثار باستانی استان ایلام، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

_____؛ (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

_____؛ (۱۳۸۲)، گزارش فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

_____؛ (۱۳۷۷)، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، ایلام: انتشارات سبز رویش.

_____؛ (۱۳۸۳)، آشنایی با جغرافیای استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.

_____؛ (۱۳۹۱)، دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، ایلام: انتشارات زاگرو.

_____؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات اولین همایش معرفی میراث های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

_____؛ (۱۳۸۰)، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.

_____؛ (۱۳۹۶)، میراث ماندگار، ایلام: انتشارات زاگرو.

_____؛ (۱۳۶۵)، جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.

_____؛ (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر باستان شناسی و آثار تاریخی ایران (پیش از اسلام)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

_____؛ (۱۳۹۰)، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ایلام، حوزه چوار، میراث فرهنگی ایلام.

_____؛ (۱۳۸۲)، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی بخش مورموری شهرستان آبدانان، میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام.

_____؛ (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، ایلام: نشر زاگرو.

ملک شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مبانی باستان شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.

_____؛ (۱۳۶۵)، جزوه درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها.

_____؛ (۱۳۷۸)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

— میرسعیدی، نادر؛ (۱۳۹۰)، «تاریخ و تمدن ایلام باستان» در تاریخ ایران باستان، تهران: انتشارات سمت.

— مورتسن، پدر؛ (۱۹۷۴)، مقاله، بررسی و تعمق در دره هلیلان، ترجمه حبیب اله محمودیان، چاپ نشده.

— واندنبرگ، لویی؛ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

— هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

— سایت های اینترنتی

— وب سایت : mahmoodian.ir

ب) منابع انگلیسی

1. Hole, F. and R.V. Flannery, EAKI, PP.99-100; PSWL, PP.147-206; together with J.A. neely, EVSK.
2. Hole, F., K. V. Flannery, and J. A. Neely. 1969. Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzistan, Iran. Memoirs, Museum of Anthropology, University of Michigan 1. Ann Arbor: University of Michigan Press.
3. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 59-148.
4. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, P.83.
5. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 73-80.
6. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 72-73.
7. Hole, E. "Excavation at Ali kosh. Iran. Chart 7, P. 139.

8. Hole, and Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-1).
9. Kantor. H.JDelougaz.p. Choghamish the first Five Seasons of excavations 1961-71-Edited by Abbas Alizadeh. (By the university Of Chicago, 1996).
10. Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-
11. Neely, J.A.1974. “*Sasanian and Early Islamic Water-Control andIrrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran,*” in T. E.Downing and McG. Gibson, eds., *Irrigation’s Impact on Society. Anthropological Papers of the University of Arizona 25.* Tucson: University of Arizona Press, 21–42.
12. Neely, J. A. 2003. “*Sassanian and Early Islamic Water Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Southwestern Iran,*” in M. G. Morony, ed., *Production and the Exploitation of Resources, the Formation of the Classical Islamic World*, Vol.
13. Wright, H. T., and J. A. Neely, editors. 2010. *Elamite and Achaemenid Settlements on the Deh Luran Plain: Towns and Villages of the Early Empires in Southwestern Iran.* Monograph, Museum of Anthropology, University of Michigan47. Ann Arbor: University of Michigan Press.
14. Ali zadeh, abas. 1992, pre historic settlement patterns and cultures in Susiana, south western Iran; the analysis of the F. GL.Grem lisa survey collection, Ann.Arbor museum of anthropology technical report 24

Archaeological survey of pre-Elamite settlements on the plains of the west side of Zagros

Dr. Habibolah Mahmoodian

Abstract

The western part of Zagros has been a place of civilization and culture for a long time due to proper conditions and geographical location. Mountain valleys, inter-mountain plains, natural caves, dense forests, slopes, fertile lands, important and abundant rivers have provided the conditions for the settlement and life of humans. The number and variety of works and the ancient buildings and sites in this geographical area and the study of cultural evidences and identifiers left over from the settlement period, it tells the truth that humans in this region about eight thousand years BC has been used two species of plants (wheat and barley) and also two species Livestock (sheep and goat). These conditions show that in this area of land where Elamite civilization and culture were formed, there were pre-Elamite settlements. According to historical and archeological studies, the Elamites have ruled in the southwestern region of Iran since the end of the fourth millennium or the beginning of the third millennium BC. About 25 centuries of the famous dynasties of Elam (Avan, Simash, Epart, Ikhalki, Shutrok and New Ilam), the formation of government dynasties, they have been the guardians of Iran's civilization and culture. Archaeological excavations show that in addition to the political and military developments of Ilam with the neighboring civilizations, they have made progress in various fields of civilization. In this article, this goal is followed to introduce some of the pre-Elamite settlements in the marginal plains of Western Zagros based on archaeological findings.

Keywords: Seymare, Chega Ahovan, Parchineh, Meimeh, Dehloran, Chega Golan, Sarni.

Gahan, the oldest poems of Zoroaster with easy reading

Dr. Hossain Aazami, Dr. Parisa Pourmohammadi